

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۰/۰۳/۲۳

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۰/۰۸/۲۵

پیروز حناچی^۱، پرستو عشرتی^۲

واکاوی اصلی‌ترین چالش‌های مفهوم منظر فرهنگی با تکیه بر بازساخت و تحلیل کارنامه هجده‌ساله این مفهوم در مرکز میراث جهانی یونسکو

چکیده

هر چند نزدیک به یک سده از نخستین کاربرد عبارت «منظر فرهنگی» می‌گذرد، که بر تعامل انسان و طبیعت در طول زمان تأکید می‌کند، اما تنها هجده سال است که عبارت مذکور کاربردی حرفه‌ای در قلمرو حفاظت پیدا کرده است. با گنجانده شدن منظرهای فرهنگی در راهنمای اجرایی کنوانسیون حفاظت از میراث فرهنگی و طبیعی جهان در سال ۱۹۹۲، با هدف بازساخت ارزش برجسته جهانی ناشی از تأثیرگذاری متقابل انسان و محیط طبیعی، مرکز میراث جهانی یونسکو به‌عنوان نخستین و مهم‌ترین مرجع بین‌المللی حفاظت منظرهای فرهنگی شناخته شد. ثبت منظرهای فرهنگی گامی مهم به سوی بازساخت آنها به‌منظور آشکارسازی و تقویت و محافظت از تنوع تأثیرات متقابل انسان و محیط و فرهنگ‌ها و سنت‌های زنده یا ناپدید شده است. در این مقاله کارنامه منظر فرهنگی در مرکز میراث جهانی یونسکو در فاصله سال‌های ۲۰۱۰-۱۹۹۲ بررسی می‌شود و ضمن آشکارسازی پس‌زمینه تاریخی شکل‌گیری ایده منظر فرهنگی در این مرکز، تعریف، سیر تحول و تجربیات آن مورد مذاقه قرار می‌گیرد. از این رهگذر مهم‌ترین انتقادات که شامل عدم توازن منظرهای فرهنگی ثبت شده در فهرست میراث جهانی در مناطق مختلف جهان و همچنین ناکارآمدی مرزبندی میان منظرهای فرهنگی و طبیعی و دیدگاه نخبه‌سالار این مرکز است، به چالش کشیده می‌شود.

کلیدواژه‌ها: منظر فرهنگی، مرکز میراث جهانی یونسکو، عدم توازن، مرزبندی، نخبه‌سالاری.

^۱ دانشیار دانشکده معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، استان تهران، شهر تهران (نویسنده مسئول)
E-mail: hanachee@ut.ac.ir

^۲ پژوهشگر دکترای معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، استان تهران، شهر تهران
E-mail: p.eshrati@gmail.com

مقدمه

عبارت منظر فرهنگی^۱ را نخستین بار جغرافی‌دانی فرهنگی به نام کارل سائویر^۲ در دهه ۱۹۲۰ به‌کار برد (Sauer, 1925, 343). با وجود اینکه ایده یادشده طی چندین نسل گسترش یافته است اما در زمینه حفاظت تاریخی همچنان موضوعی جدید محسوب می‌شود (Longstreth, 2008, 1) و در میان دیگر رشته‌های درگیر در مدیریت آن نیز شناختی ناچیز - و گاه اشتباه - از آن وجود دارد. بین عبارت که در برخی از موارد به اختصار «منظر» نامیده می‌شود^۳ (European Landscape Convention, 2000)، مکرراً به اشتباه مترادف با منظر طراحی شده (باغ، پارک، پردیس و عمل دستکاری توپوگرافی) به کار برده شده است (Longstreth, 2008, 1). صرف‌نظر از چنین اشتباه‌هایی گرایش به دیدن ساده‌انگارانه منظر فرهنگی به‌عنوان موجودیتی صرفاً فیزیکی و نه به مثابه روشی برای تفکر و تحلیل و ارزیابی مکان‌ها، ادراک نادرستی از آن را رقم زده است. این در حالی است که مشارکت عمومی و حمایت از مدیریت منظر فرهنگی عنصری ضروری در موفقیت استراتژی‌های مدیریتی است. بدین ترتیب استنباط می‌شود که افزایش آگاهی و شناخت درباره منظر فرهنگی برای حفاظت از این منظرها، حیاتی است. در سال ۲۰۰۳ سازمان پژوهشی میراث منظرها^۴ استنتاج کرد که «مهم‌ترین ابزار برای حفاظت، شناخت است. تفسیر منجر به بازشناسی می‌شود و این خود به حفاظت می‌انجامد» (NZHPT, 2003, 9). شناخت ناکافی در کنار بسیاری از عوامل خرد و کلان دیگر باعث می‌شود که پس از گذشت هجده سال از آغاز ثبت منظرهای فرهنگی در فهرست میراث جهانی، از کشور پهناوری چون ایران - به‌رغم دارا بودن گنجینه‌های گرانبهای منظرهای فرهنگی - تنها یک اثر، آن هم در فهرست میراث در معرض خطر به ثبت رسیده باشد: «بم و منظر فرهنگی آن».

از این رهگذر، ضرورت بازشناخت هر چه بیشتر منظرهای فرهنگی آشکار می‌گردد. با توجه به نکات پیش‌گفته، در این مقاله به بررسی کارنامه منظر فرهنگی در «مرکز میراث جهانی»^۵ یونسکو به عنوان نخستین مرجع قانونی بین‌المللی بازشناخت و ثبت منظرهای فرهنگی پرداخته می‌شود. مرکز میراث جهانی یونسکو بر اساس «کنوانسیون حفاظت از میراث فرهنگی و طبیعی جهان»^۶ مصوب ۱۹۷۲م. متولی میراث فرهنگی و طبیعی جهان است. افزون بر آن، شناخت و حفاظت از منظرهای فرهنگی دارای ارزش برجسته جهانی نیز به‌عنوان بخشی از میراث مشترک بشریت^۷، با تهیه نخستین سند قانونی بین‌المللی در سال ۱۹۹۲م. به این ارگان محول گردید. هر چند گنجانده شدن منظرهای فرهنگی در این کنوانسیون، اهمیت آنها را در مقیاس بین‌المللی آشکار ساخت (Besio, 2003, 60)، اما هیچ‌گاه تعاریف و دسته‌بندی‌های این مفهوم مورد بازبینی جدی قرار نگرفت. به همین خاطر بود که مفهوم مورد بحث به تدریج با معضلاتی روبه‌رو گردید. در این نوشتار، با هدف واکاوی عمده‌ترین چالش‌های مفهوم منظر فرهنگی به همراه زمینه‌ها، سیر تحول، تجربیات، چالش‌ها و چشم‌اندازهای آن در مرکز میراث جهانی یونسکو در فاصله سال‌های ۲۰۱۰-۱۹۹۲م. بررسی می‌گردد.

بازشناخت مفهوم منظر فرهنگی

پس‌زمینه تاریخی

ریشه مفهومی - نه واژگانی دقیق - این عبارت را می‌توان در نوشته‌های تاریخ‌نویسان آلمانی و جغرافی‌دانان فرانسوی، در اواسط و اواخر قرن نوزدهم میلادی یافت. اصطلاح «منظر فرهنگی»، نخستین بار در دهه ۱۹۲۰ به وسیله جغرافی‌دانی فرهنگی به نام پروفیسور کارل سائویر در مجامع دانشگاهی ایالات متحد به کار رفت و سپس رواج یافت. تعریف کلاسیک سائویر (۱۹۲۵م.) چنین

است: «منظر فرهنگی متشکل از منظری طبیعی به وسیلهٔ یک گروه فرهنگی است. فرهنگ عامل، ناحیهٔ طبیعی واسطه و منظر فرهنگی نتیجه است» (Sauer, 1925, 343). از آن زمان به بعد این مفهوم کاربردی مشترک بین جغرافی‌دانان، تاریخ‌دانان، حفاظت‌مداران، معماران منظر و دیگر رشته‌های وابسته یافت.

تعاریف منظر فرهنگی

«با اینکه دانش غربی مدت‌ها فرهنگ و طبیعت را دو دایرهٔ جداگانه پنداشته است، [اما] دید ساکنان اولیه از جهان، کل‌نگر بوده است و در آن فلسفهٔ نظام گیتی، جغرافیا، زیست، فرهنگ و معنویت صمیمانه در هم تنیده‌اند» (Buggey, Michell, 2003, 94). در این دید سنتی، که طبیعت و فرهنگ جدایی‌ناپذیر نگریسته می‌شود، جایگاه خود را تعریف منظر فرهنگی باز یافته است: منظر آن چیزی است که می‌بینیم، و نتیجهٔ ادراکات ترکیبی ماست. در جهان مرئی، جهان نامرئی روابط قرار دارد که افراد آن را به همراه جوامع و طبیعت پایه‌گذاری می‌کنند و خود را با شرایط اقتصادی و سیاسی وفق می‌دهند. این روابط در چارچوب‌های فرهنگی و نمادین و رفتاری به بحث و بررسی گذاشته شده و پالایش گردیده‌اند. شکل مرئی منظر در این مورد، حاکی از مدرک و میراثی است که فرایند تاریخی ارزیابی و بقای جامعه آن را بر جای نهاده است. منظر موجودی شفاف و مرتبط با واقعیت نیست. تصاویر دیده‌شده رابطه‌ای مستقیم و عینی با افرادی که آنها را می‌بینند، ندارند. منظر مبری نیست و ته‌نشست‌های تاریخ در کسی که آنها را مشاهده می‌کند، به هر حال خنثی و بی‌تأثیر نیستند. مدل‌های فرهنگی در روابط میان مشاهده‌کننده و مشاهده‌شونده دخیل می‌شوند و آن را بهتر و یا بدتر می‌سازند (Besio, 2003, 61).

تصور منظر فرهنگی سهل و ممتنع است. مطالعهٔ منظر فرهنگی مؤلفه‌های طبیعی و انسان‌ساخت محیط و فرایندهای تغییر آنها در طول زمان را در بر می‌گیرد. این مؤلفه‌ها و روابطشان، می‌بایست هم از بعد فیزیکی بررسی شوند و هم از بعد عملکردی و تداعی‌گر مورد بررسی قرار گیرند (Longstreth, 2008, 1).

تفاسیر و تعاریف این مفهوم بسیار گسترده و متنوع است، که در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌گردد: «اندیشیدن درباره منظر فرهنگی به عنوان تقریباً تمامی چیزهایی که وقتی در محیط بیرونی هستیم می‌توانیم ببینیم، امری بجا و پراهمیت است» (Lewis, 1979, 12). «منظر فرهنگی نواحی‌ای را در برمی‌گیرد که مشخصاً نماینده الگوهای سکونت یا استفاده از منظر، سیر تکامل ارزش‌های فرهنگی، و هنجارها و طرز برخورد با زمین طی سالیان دراز و متمادی است» (Melnick, 1981, 56).

«منظر فرهنگی حکایت لایه‌ای است بالای لایهٔ در هم پیچیدهٔ تاریخ و طبیعت» (Aalen et al., 1997, 5). «اصطلاح منظر فرهنگی برای معنادهی به شیوه‌ای از دیدن منظر به‌کار می‌رود که بر تعامل انسان و طبیعت در طول زمان تأکید می‌ورزد» (Ingerson, 2000, 1). همان‌گونه که از این نمونه تعریف‌ها بر می‌آید، هنوز متخصصان منظر فرهنگی به اجماع یا اتفاق نظر در تعریفی جامع و مانع از مفهوم مورد بحث دست نیافته‌اند.

تحلیل کارنامهٔ هجده سالهٔ منظر فرهنگی در مرکز میراث جهانی یونسکو

تعریف منظر فرهنگی در مرکز میراث جهانی یونسکو

منظرهای فرهنگی با توجه به اینکه آنها فراهم‌آورندهٔ گنجینه‌ای ژنتیکی برای محصولات جهان فردا هستند، و در واقع بنیان فرهنگ و هویت و اعتقادات مردمی را که در آنها زندگی می‌کنند شکل

می‌دهند، اهمیتی هر دم افزون یافته‌اند (Rossler, 2003, 14). حفاظت منظرهای فرهنگی شرط لازم توسعه پایدار هر منطقه است. در زمان حاضر انجمن‌های مختلفی به شناخت و حفاظت منظرهای فرهنگی در سطوح ملی و منطقه‌ای می‌پردازند که در این میان مرکز میراث جهانی یونسکو به عنوان نخستین و مهم‌ترین مرجع بین‌المللی حفاظت از منظرهای فرهنگی دارای جایگاه ویژه‌ای است. در ایران نیز جز سازمان یونسکو، نهاد دیگری که به بازشناخت و حفاظت منظرهای فرهنگی بپردازد، وجود ندارد. از این رو در این مقاله به بررسی دیدگاه این مرکز درباره منظرهای فرهنگی - و چالش‌های مواجهه با آن - پرداخته می‌شود.

گرچه در دهه‌های اخیر قسمتی از مطالعات منظر، مسیری را که به نوعی با علوم طبیعی آمیخته شده دنبال کرده است، با این حال در تعاریف برگزیده کنوانسیون میراث جهانی، منظر به مثابه موجودی با ارزش فرهنگی وسیع‌تر اشاره شده است. کنوانسیون میراث جهانی این واقعیت را درک کرده است که تاریخ و طبیعت در نوعی هم‌زیستی به سر می‌برند و این همان رابطه‌ای است که اجتماعات محلی و ساکنان بومی، پیش‌تر آن را درک کرده بودند (Besio, 2003, 60-61). به تعریف مرکز میراث جهانی یونسکو، «ثروت‌ها میراثی از گذشته‌اند؛ یا در واقع چیزهایی که، امروز با آنها زندگی می‌کنیم، و چیزهایی که برای نسل‌های آینده باقی خواهیم گذاشت. ثروت‌های طبیعی و فرهنگی منابع غیرمنقول زندگی و وحی هستند» (UNESCO World Heritage Centre, 2007). به نقل از یوکیلیتو، (۱۳۸۷، ۱) که به‌عنوان مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده هویت هر مکان معین، ویژگی‌های بارز مرتبط با مکان‌ها را به آنها می‌بخشند و از همین رو، خزانه تجربه بشری برشمرده می‌شوند (یوکیلیتو، ۱۳۸۷، ۱). منظرهای فرهنگی با درک واقعیت همزیستی تاریخ و طبیعت، به‌عنوان بخشی از این ثروت‌ها شناخته شده‌اند؛ یعنی ثروت‌هایی که نشان‌دهنده اجتماعات بشری و زیستگاه‌های آن هستند، در طول زمان و تحت تأثیر محدودیت‌های فیزیکی و فرصت‌هایی که محیط طبیعی، توالی اجتماعی و فشارهای اقتصادی و فرهنگی داخلی و خارجی آنها را به وجود آورده است، شکل گرفته‌اند. عبارت منظر فرهنگی، که بر ترکیبی از کار انسان و طبیعت تأکید می‌کند، تنوع ارتباط میان نوع بشر و محیط طبیعی را آشکار می‌سازد. منظر فرهنگی غالباً روش‌های منحصر به فرد استفاده پایدار از زمین، خصوصیات ناشی از محدودیت‌های محیط طبیعی و همچنین تعامل ذهنی با طبیعت را منعکس می‌کند (UNESCO World Heritage Center, 2009).

زمینه‌های شکل‌گیری ایده منظر فرهنگی در مرکز میراث جهانی

نخستین پیشنهاد جهانی درباره شخصیت و زیبایی منظر و محوطه‌ها در سال ۱۹۶۲م. در یونسکو به تصویب رسید (Rossler, 2003, 14). ادامه دیگر مباحثه‌ها در زمینه منظر از حدود سال ۱۹۸۰م.، یعنی از زمان بررسی کارگروه میراث جهانی، تا کنون ادامه یافته‌اند. بسیاری از آنها هنوز در فهرست کارهایی قرار دارند که می‌بایست به انجام برسند (Fowler, 2003, Appendix A). کنوانسیون حفاظت از میراث فرهنگی و طبیعی جهان - مصوب کنفرانس عمومی یونسکو در سال ۱۹۷۲م. - سند بین‌المللی منحصر به فردی را برای شناخت و حفاظت میراث فرهنگی و طبیعی با ارزش برجسته جهانی ارائه کرد (یوکیلیتو و فیلدن، ۱۳۸۶). «هدف این کنوانسیون، تضمین بازشناسی، نگهداری، حفاظت، ارائه و انتقال ارزش‌های برجسته جهانی به نسل‌های آتی میراث طبیعی و فرهنگی است» (Rossler, 2003, 10). کاربرد حرفه‌ای عبارت منظر فرهنگی در قلمرو حفاظت در دهه ۱۹۹۰م. با بازبینی و بازنویسی راهنمای اجرایی کنوانسیون حفاظت از میراث فرهنگی و طبیعی جهان و

گنجاندن مفهوم منظر فرهنگی رخ داد. به این ترتیب، پس از گذشت ۲۰ سال این کنوانسیون به نخستین سند قانونی جهانی برای حفاظت منظرهای فرهنگی تبدیل گردید و به وسیله مرکز میراث جهانی در سرتاسر دنیا رواج یافت (Von Droste et al., 1995; Fowler, 2003; Rossler, 1998, 2000, 2001a; Rossler and Saouma-Forero, 2000). دو عامل اصلی را می‌توان زمینه‌های اصلی شکل‌گیری ایده منظر فرهنگی در مرکز میراث جهانی یونسکو دانست:

نخست - ارائه پیشنهادهایی برای بازبینی راهنمای اجرایی کنوانسیون در نشست کارشناسان بین‌المللی، که از ۲۴ تا ۲۶ اکتبر سال ۱۹۹۲م. در پاریس برگزار گردید (UNESCO, World Heritage Centre, 1992).

دوم - اعلام نیاز به بازشناسی ارزش‌های تداعی‌کننده سیما و منظر زیست مردمان بومی و اهمیت حفاظت از تنوع بیولوژیکی، از طریق تنوع فرهنگی موجود در منظرهای فرهنگی، از سوی کارشناسان نشست یادشده (Rossler, 2003, 10).

دسته‌بندی منظرهای فرهنگی میراث جهانی

کارگروه میراث جهانی در شانزدهمین جلسه خود در سال ۱۹۹۲، دسته‌بندی سه‌گانه منظرهای فرهنگی میراث جهانی را به تصویب رساند (Revision of the operational guideline, 1992)، که در جدول ۱ درج گردیده است.

جدول ۱. دسته‌بندی سه‌گانه منظر فرهنگی در مرکز میراث جهانی یونسکو

دسته	تعریف
یکم	این دسته که راحت‌تر از بقیه می‌توان شناسایی کرد، منظر مشخصاً تعریف شده است که از روی قصد به دست بشر طراحی و ساخته شده است. این دسته باغ‌ها و درختستان‌ها و منظرهای مصنوعی را دربرمی‌گیرد که به دلایل زیبایی‌شناختی ساخته شده‌اند و اغلب - اما نه همیشه - با ساختمان‌ها و مجموعه‌های مذهبی یا یادمانی مرتبط‌اند.
دوم	دسته دوم را منظر به صورت ارگانیک تکامل یافته تشکیل می‌دهد. این نوع منظر از الزام اجتماعی، اقتصادی، اداری و/یا مذهبی حاصل شده است و شکل کنونی آن به وسیله پیوستگی با محیط طبیعی‌اش و در پاسخ به آن تکامل یافته است. چنین منظرهایی فرایند تکامل‌شان را در شکل و ویژگی‌های ترکیب‌دهنده‌شان منعکس می‌کنند. این منظرها را می‌توان به دو زیرگروه تقسیم کرد: - منظر باقی‌مانده از گذشته (یا فسیل شده): منظری است که در آن فرایند تکاملی در زمانی در گذشته به‌طور ناگهانی و یا طی دوره خاصی به پایان رسیده است. با این حال ویژگی‌های برجسته تمایزدهنده آن را هنوز می‌توان در شکل مادی‌اش مشاهده کرد. - منظر تداوم‌دار منظری است که نقش اجتماعی خود را در جامعه معاصر حفظ کرده و به‌طور تنگاتنگ با روش سنتی زیست پیوسته است و در آن فرایند تکامل همچنان جاری است، که در عین حال شواهد مادی برجسته‌ای را از تکامل خود در طول زمان به نمایش می‌گذارد.
سوم	دسته آخر منظر فرهنگی تداعی‌گر است. این دسته دربردارنده آن گونه منظرهایی در فهرست میراث جهانی است که با برتری مذهبی قوی، تداعی‌های هنری یا فرهنگی عنصری طبیعی توجیه می‌شوند؛ و نه شواهد فرهنگی مادی که ممکن است چندان برجسته نباشند یا حتی غایب باشند.

تغییر در معیارهای ثبت

با گنجانده شدن منظرهای فرهنگی در راهنمای اجرایی کنوانسیون میراث جهانی یونسکو، نیاز به بازبینی معیارهای فرهنگی و طبیعی ثبت آثار در فهرست میراث جهانی به وجود آمد. بنابراین در همان نشستی که کارگروه دسته‌بندی‌های منظر فرهنگی را به تصویب رساند، تصمیم بر حذف ارجاع به «تأثیر متقابل انسان و محیط طبیعی‌اش» و «ترکیب استثنایی عنصرهای طبیعی و فرهنگی» به ترتیب از معیارهای ۲ و ۳ معیارهای طبیعی گرفته شد. در نتیجه این امر، از سال ۱۹۹۲ تاکنون هیچ‌کدام از معیارهای طبیعی و فرهنگی که برای تصدیق قرارگیری آثار در فهرست میراث جهانی به‌کار رفته‌اند، به‌طور مشخص به تأثیر متقابل مردم و محیط اشاره نمی‌کنند (Rossler, 2003, 12).

قسمت‌های مشخص‌شده در جدول ۲ تغییرات اساسی در معیارها را، پس از گنجانده شدن منظر فرهنگی در راهنمای اجرایی یونسکو، نشان می‌دهند. در زمان حاضر منظرهای فرهنگی میراث جهانی برای قرارگیری در فهرست میراث جهانی، آن‌گاه مناسب و ذی‌حق دانسته می‌شوند که در آنها تأثیر متقابل انسان و محیط طبیعی به‌عنوان «ارزش برجسته جهانی» ارزیابی گردد. به‌طور کلی منظرهای فرهنگی بر اساس معیارهای میراث فرهنگی در فهرست ثبت می‌شوند؛ اما تعدادی از منظرهای فرهنگی بر اساس معیارهای طبیعی پذیرش شده‌اند، که اینها را میراث فرهنگی - طبیعی مختلط می‌نامند. البته در پاراگراف ۱۸ از راهنمای اجرایی سال ۱۹۹۹م. چنین بیان شده است: «کشورهای عضو باید تا آنجا که ممکن است بکوشند تا ارزش برجسته جهانی آثاری که برای ثبت پیشنهاد می‌کنند، از آمیزه ویژه و پراهمیتی از خصایص فرهنگی و طبیعی ناشی شده باشند» (UNESCO World Heritage Center, 2009).

جدول ۲. تغییر در معیارهای ثبت میراث طبیعی پس از تصویب منظرهای فرهنگی

معیارهای میراث طبیعی	۱۹۹۲ - ۱۹۸۰ م.	۱۹۹۷ - ۱۹۹۲ م.
دوم	نمونه برجسته‌ای باشد که روندهای مهم جاری اکولوژیکی، تکامل بیولوژیکی و تعامل انسان با محیط طبیعی‌اش را نشان دهد. به‌گونه‌ای که بتوان اینها را از دوره‌های تکامل زمین، با تمرکز بر روندهای جاری تکامل اجتماعات، گیاهان و حیوانات، شکل زمین و منابع و اندام‌های آبی و دریایی، تشخیص داد.	نمونه برجسته‌ای باشد که روندهای متداول و پراهمیت اکولوژیکی و بیولوژیکی را در سیر تکامل و توسعه زمینی، آب‌های شیرین، اکوسیستم‌های ساحلی و دریایی، و جوامع حیوانی و گیاهی نشان دهد.
سوم	دربرگیرنده ممتازترین پدیده‌ها، اشکال یا صورت‌های طبیعی باشد. برای مثال، نمونه‌ای برجسته از مهم‌ترین اکوسیستم‌ها، مناطقی با زیبایی طبیعی یا ترکیبی استثنایی از عناصر فرهنگی و طبیعی باشد.	ممتازترین پدیده‌های طبیعی یا مناطقی با زیبایی طبیعی استثنایی و اهمیت زیبایی‌شناسانه را دربرگیرد.

منبع: Rossler, 2003

در ادامه این روند در نشست «راهبرد جهانی آمستردام»^۸ که در سال ۱۹۹۸م. برگزار گردید، پیشنهاد به هم پیوستن معیارهای میراث طبیعی و فرهنگی با هدف اصلی غلبه بر جدایی بین طبیعت و فرهنگ در کاربرد کنوانسیون ارائه گردید. گروهی که بر روی بازبینی راهنمای اجرایی کار می‌کردند، این دیدگاه تازه را در یکپارچگی فرهنگی و طبیعی میراث مدنظر قرار دادند و معیارهایی یکپارچه را در نسخه جدیدی که در کارگروه میراث جهانی در سال ۲۰۰۳ آن را به تصویب رساند، ارائه کردند. بدین ترتیب ثبت منظرهای فرهنگی که تا اواخر سال ۲۰۰۴ بر اساس ۶ معیار فرهنگی و ۴ معیار طبیعی صورت می‌پذیرفت، پس از تصویب دستورالعمل اجرایی کنوانسیون، بر اساس دسته‌ای ۱۰ معیاری انجام می‌گیرد (Von Droste, Rössler, Titchen, 1998).

دستاوردهای گنجاندن منظرهای فرهنگی در راهنمای اجرایی کنوانسیون میراث جهانی

قرارگیری مفهوم منظر فرهنگی در راهنمای اجرایی کنوانسیون میراث فرهنگی و طبیعی جهان، از بسیاری جهات دستاوردی مهم محسوب می‌گردد، از آن جمله می‌توان به اینها اشاره کرد:

- بازشناخت تنوع ظهور تعامل بین انسان و محیط طبیعی‌اش؛
- معرفی اصطلاح پایداری به راهنمای اجرایی از طریق تکنیک‌های خاص استفاده پایدار از زمین؛
- پذیرش میراث زنده مردمان بومی؛
- معرفی سازوکارهای مدیریت سنتی در راهنمای اجرایی؛
- بازشناخت روش‌های سنتی استفاده از زمین؛
- نگرداشت تنوع بیولوژیکی از طریق تنوع فرهنگی؛
- توجه به ارتباطات غیرمادی با طبیعت؛
- گشایش کنوانسیون به دیگر مناطق و فرهنگ‌های جهان (کارائیب، اقیانوسیه، افریقا)؛
- آسان‌سازی مسیر «راهبرد جهانی»^۹ «برای فهرست میراث جهانی نماینده، تصویب‌شده در ۱۹۹۴م.» (Rossler, 2003, 10).

تناسب منظرهای فرهنگی ثبت‌شده در فهرست میراث جهانی با آثار دیگر

تا پایان سال ۲۰۱۰ میلادی ۱۸۷ کشور به کنوانسیون ۱۹۷۲ میراث جهانی یونسکو ملحق شده بوده‌اند. تا آن زمان ۹۱۱ اثر از ۱۵۱ کشور در فهرست میراث جهانی ثبت شده بود که ۷۰۴ اثر فرهنگی و ۱۸۰ اثر طبیعی را دربرمی‌گرفت. ۲۷ سایت مختلط - هم بر اساس ارزش‌های طبیعی و هم مبتنی بر ارزش‌های فرهنگی - نیز به ثبت رسیده بودند. در میان ۹۱۱ سایت تنها ۶۶ منظر فرهنگی در دسته منظرهای فرهنگی (پاراگراف ۳۹ تا ۴۲ راهنمای اجرایی) به ثبت رسیده بودند؛ یا به عبارت دیگر، تنها ۷/۲۵ درصد از میراث جهانی منظرهای فرهنگی بودند.

نشست‌های تخصصی درباره منظر فرهنگی و دستاوردهای آنها

در فاصله سال‌های ۱۹۹۲ تا ۲۰۱۰م. مرکز میراث جهانی یونسکو چندین نشست تخصصی درباره منظر فرهنگی برگزار کرد. این نشست‌ها مراحل مهمی در پیاده‌سازی تصمیمات کارگروه میراث جهانی به شمار می‌آیند، چرا که به تشخیص روش‌های متفاوتی انجامیدند که کشورهای عضو می‌توانند از آنها برای نامزد کردن منظرهای فرهنگی در فهرست میراث جهانی بهره بگیرند. از این رهگذر روش‌شناسی برای تشخیص منظرهای فرهنگی شکل گرفت و پرورانده شد و پیشنهادها

نیز دسته‌بندی و ارزیابی گردیدند. مباحث قانونی، مدیریتی، اجتماعی - اقتصادی و حفاظتی مرتبط با منظر فرهنگی مورد توجه قرار گرفتند و نمونه‌هایی از منظرهای فرهنگی برجسته و شاخص از مناطق مختلف، به حیطه بحث و بررسی کشیده شدند. تقریباً در هر نشست توصیه‌هایی درباره بازشناخت، تشخیص هویت، نگهداری و مدیریت منظرهای فرهنگی در زمینه منطقه یا موضوع خاص آن ارائه گردیده است.

در «نشست تخصصی جهانی درباره ارزش‌های جهانی برجسته (آلمان، ۱۹۹۳)»^{۱۰} یک «برنامه اجرایی برای آینده»^{۱۱} تهیه گردید که در دسامبر ۱۹۹۳ به تصویب کارگروه میراث جهانی رسید. این برنامه پیشنهاد برگزاری نشست‌های تخصصی منطقه‌ای را مطرح ساخت که از طریق مطالعات تطبیقی منظرهای فرهنگی و گسترش چارچوب‌های موضوعی برای ارزیابی منظرهای فرهنگی به تصمیم‌گیری‌های کارگروه درباره منظر فرهنگی کمک رساند. در این برنامه اجرایی به طرح مقدماتی «راهنمای مدیریت» اشاره شد؛ با این شرح که لازم است راهنمای ویژه‌ای برای مدیریت و حفاظت منظرهای فرهنگی ثبت شده در فهرست میراث جهانی تهیه گردد که در آن تجربیات مدیریتی موفق مد نظر قرار گیرد. همچنین در این پلان اجرایی بر مبادله اطلاعات، نمونه‌های موردی و تجارب مدیریتی در سطح اجتماعات منطقه‌ای و محلی برای نگهداری منظر فرهنگی، بین کشورهای عضو تأکید گردید. از اینها گذشته برنامه مورد بحث، گروه‌های کارشناسی و سازمان‌های غیردولتی - مانند ایکوموس (مرکز بین‌المللی یادمان‌ها و محوطه‌ها)^{۱۲}، آی.یو.سی.ان. (اتحادیه بین‌المللی حفاظت از طبیعت)^{۱۳}، ایفلا (انجمن معماران منظر دنیا)^{۱۴}، آی.ال.ای.ای. (انجمن حمایت قانونی بین‌المللی)^{۱۵}، آی.ای.ال.ای (انجمن بین‌المللی اکولوژی منظر)^{۱۶} را به ترویج درک گسترده‌تر از منظرهای فرهنگی و توان نهفته در آنها برای ثبت شدن در فهرست میراث جهانی تشویق می‌کند (Rossler, 2003, 12).

راهنمای مدیریت منظرهای فرهنگی سرانجام در سال ۲۰۰۹ به صورت کتاب شماره ۲۶ از مجموعه انتشارات مرکز میراث جهانی یونسکو با عنوان «منظرهای فرهنگی میراث جهانی: کتاب مرجع حفاظت و مدیریت»^{۱۷} به چاپ رسید (Mitchell, Rossler and Tricaud, 2009).

در برخی از این نشست‌های تخصصی به‌طور مشخص به منظر کشاورزی^{۱۸} پرداخته می‌شد. برای مثال، یکی درباره منظر تاکستان‌ها در اروپا بود و یکی درباره تراس‌های برنج در آسیا. نشست تخصصی درباره منظرهای اروپایی در سال ۱۹۹۶م. بر اهمیت آن دسته از منظرهای فرهنگی زنده اروپایی که در آنها روش‌های زیست سنتی تا به امروز نیز تداوم یافته است - به همراه منظرهای روستایی - تأکید می‌کند و در عین حال بر توسعه آنها در گذر زمان (برای مثال، در پاسخ به فناوری جدید) پای می‌فشارد. در نشست برگزار شده در هلند در سال ۱۹۹۹م. به کشورهای عضو پیشنهاد شد که عنوان و نحوه مدیریت مناطق نگهداری شده موجود را با کمک و راهنمایی یونسکو به منظرهای فرهنگی عمومیت دهند. در فرایندهای توسعه، پیشنهاد گسترش پتانسیل منظرهای فرهنگی از طریق شناسایی و حمایت از شخصیت‌ها و کیفیت‌های خاص منطقه ارائه و مطرح شده است. این نکته نیز می‌بایست مد نظر قرار گیرد که مدیریت منظر به اقتصاد محلی و منطقه‌ای اساسی نیاز دارد؛ از این رو متخصصان همکاری بین نیروهای محلی، منطقه‌ای، ملی و بین‌المللی و نیز حامیان توسعه را پیشنهاد می‌کنند. یکپارچگی باید در پی هماهنگی و مرتبط ساختن برنامه‌ریزی، امور اداری و پایش فعالیت‌ها باشد. کشورهای عضو می‌بایست این نکته مهم را در پیاده‌سازی کنوانسیون میراث جهانی به کار اندازند. در این نشست و دیگر نشست‌ها، به بازبینی موضوعات مرتبط با «روش‌های خاص استفاده پایدار از زمین» با ارجاع به راهنمای اجرایی (بند ۲۸) پرداخته شد. در جدول ۲ نشست‌های تخصصی منظر فرهنگی در فاصله سال‌های ۱۹۹۲ تا ۲۰۱۰ نشان داده شده‌اند.

جدول ۳. نشست‌های تخصصی منظر فرهنگی در فاصله سال‌های ۱۹۹۲ تا ۲۰۱۰ میلادی

شماره	عنوان	تاریخ برگزاری	مکان
۱	منظرهای فرهنگی*	اکتبر ۱۹۹۲	فرانسه
۲	ارزش‌های جهانی برجسته منظرهای فرهنگی*	اکتبر ۱۹۹۲	آلمان
۳	آبراه‌های میراثی	سپتامبر ۱۹۹۴	کانادا
۴	جاده‌ها به مثابه بخشی از ثروت‌های فرهنگی	نوامبر ۱۹۹۴	اسپانیا
۵	منظرهای فرهنگی مطبق برنج در آسیا	مارس/ آوریل ۱۹۹۵	فیلیپین
۶	کارگاه آسیا- اقیانوسیه درباره منظرهای فرهنگی تداعی‌گر	آوریل ۱۹۹۵	استرالیا
۷	ارزش‌های جهانی برجسته منظرهای فرهنگی اروپایی	آوریل ۱۹۹۶	اتریش
۸	استراتژی جهانی، میراث فرهنگی و طبیعی*	مارس ۱۹۹۸	هلند
۹	منظرهای فرهنگی در آند	مه ۱۹۹۸	پرو
۱۰	یادمان - محوطه - منظرهای فرهنگی نمونه مورد واچو	اکتبر ۱۹۹۹	اتریش
۱۱	منظرهای فرهنگی در افریقا	مارس ۱۹۹۹	کنیا
۱۲	راهنمای مدیریت منظرهای فرهنگی*	ژوئن ۱۹۹۹	اسلواکی
۱۳	منظرهای فرهنگی در اروپای شرقی	سپتامبر - اکتبر ۱۹۹۹	لهستان
۱۴	منظرهای فرهنگی: مفهوم و کاربرد*	مارس ۲۰۰۰	ایتالیا
۱۵	منظرهای فرهنگی در آمریکای مرکزی	سپتامبر ۲۰۰۰	کاستاریکا
۱۶	پتانسیل‌های میراث جهانی طبیعی در آلپ	ژوئن ۲۰۰۰	اتریش
۱۷	منظر فرهنگی تاجیکستان‌ها	ژوئیه ۲۰۰۱	مجارستان
۱۸	سامانه کشت در کاراییب	ژوئیه ۲۰۰۱	سورینام
۱۹	کوه‌های مقدس آسیا	سپتامبر ۲۰۰۱	ژاپن
۲۰	منظر بیابانی و سامانه واحه‌ها در منطقه عرب	سپتامبر ۲۰۰۱	مصر
۲۱	منظرهای فرهنگی: چالش حفاظت*	نوامبر ۲۰۰۲	ایتالیا
۲۱	منظرهای فرهنگی در کاراییب: معرفی و استراتژی‌های محافظت	نوامبر ۲۰۰۵	کوبا
۲۲	منظرهای کشاورزی - دامداری در مدیترانه	سپتامبر ۲۰۰۷	فرانسه

* نشست‌های اصلی

منبع: نگارندگان

عمده‌ترین چالش‌های مفهوم منظر فرهنگی

از آغاز بحث منظر فرهنگی در مرکز میراث جهانی یونسکو تاکنون انتقادهایی اغلب کلی بر تعریف و دسته‌بندی‌ها، راهنما و مطالعات موضوعی وارد شده‌اند، که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از انتقاد به مواردی از این دست:

- چارچوب‌های موضوعی و منطقه‌ای برای کاربرد کنوانسیون؛
- فهرست میراث جهانی با توازن بیشتر و نمایان‌تر و راه‌های دسترسی به آن؛
- ارتباط، مدیریت و فهرست آزمایشی بهتر؛ و
- تشریک مساعی، در منطقه‌ها، روی زمینه، و بین گروه‌های مشورتی و دیگر سازمان‌های غیردولتی (Fowler, 2003, 17).

با آنکه در طول این هجده سال انتقادهای مطرح شده توانسته‌اند تأثیراتی در روند شناخت و ارزیابی و مدیریت منظرهای فرهنگی میراث جهانی بر جای نهند و در نتیجه ابعاد مفهوم منظر فرهنگی را دقیق‌تر سازند، اما با نگاهی دقیق‌تر به کارنامه منظر فرهنگی در مرکز میراث جهانی یونسکو، می‌توان چالش‌هایی اساسی را پیش کشید که هر چند جسته و گریخته پاسخ‌هایی برای آنها داده شده است اما این چالش‌ها همچنان به قوت خود باقی‌اند و چنانچه این مرکز قصد داشته باشد که به‌عنوان معتبرترین مرجع قانونی بین‌المللی به بازشناخت و حفاظت منظرهای فرهنگی بپردازد، می‌بایست پاسخی درخور برای آنها بیابد. سه چالش مهم که در این مقاله مورد کندوکاو قرار می‌گیرند، اینها هستند: (۱) عدم توازن در فهرست میراث جهانی؛ (۲) ناکارآمدی مرزبندی بین منظرهای فرهنگی و منظرهای طبیعی؛ و (۳) نخبه‌سالاری این مرکز.

عدم توازن در فهرست میراث جهانی

هر چند که م. فولر در سال ۲۰۰۳ اذعان داشت که تعریف و دسته‌بندی‌های سه‌گانه منظر فرهنگی در دهه نخست شکل‌گیری این مفهوم در مرکز میراث جهانی کارکرد درستی داشته‌اند و چندان تقاضایی برای تغییر آنها مطرح نشده (Fowler, 2003, 18)، اما عدم توازن تعداد سایت‌های فهرست‌شده به عنوان منظر فرهنگی در فهرست میراث جهانی از مهم‌ترین موضوعاتی است که از زمان به تصویب رسیدن منظر فرهنگی در کنوانسیون میراث جهانی به چشم می‌خورد. عدم توازن به این معناست که تعداد منظرهای فرهنگی ثبت‌شده در مناطق پنج‌گانه^{۱۹} جهانی یونسکو، بسیار ناهمگن‌اند و تقریباً اکثر منظرهای فرهنگی، چه آنهایی که در فهرست میراث جهانی ثبت شده‌اند و چه آنهایی که در فهرست آزمایشی^{۲۰} قرار دارند و نامزد ثبت هستند، در منطقه «اروپا و امریکای شمالی» استقرار یافته‌اند (Siririsak and Akagawa, 2007, 11) و چهار منطقه دیگر یعنی «آفریقا»، «کشورهای عربی»، «آسیا و اقیانوسیه» و نیز «امریکای لاتین و کارائیب» با آنکه از نظر غنای منظرهای فرهنگی از منطقه اروپا و امریکای شمالی چیزی کم ندارند، سهم‌شان در این فهرست بسیار ناچیز است. این در حالی است که کنوانسیون میراث فرهنگی و طبیعی جهان در پی این هدف است که فهرستی کامل و یک‌دست تنوع و گوناگونی یادمان‌های میراثی در جهان ارائه می‌کند.

در ژوئن ۱۹۹۴م، در پی تقاضای کارگروه میراث جهانی^{۲۱}، مرکز میراث جهانی وایکوموس به برپایی نشست تخصصی پرداخت تا ماهیت فهرست میراث جهانی بررسی گردد و مشخص شود که آیا فهرست مذکور می‌تواند نماینده میراث فرهنگی و طبیعی جهان باشد یا خیر. این گروه پس از بررسی به این نتیجه دست یافت که فهرست موجود نماینده منظرهای فرهنگی مناطق مختلف نیست. گروه مذکور به همین خاطر، «راهبردی جهانی را برای فهرست میراث جهانی نماینده و موثق»، مطرح و پیشنهاد کرد که متعاقباً در هجدهمین جلسه کارگروه میراث جهانی در دسامبر ۱۹۹۴م. به تصویب رسید. این راهبرد یا استراتژی جهانی، هم چارچوبی مفهومی است و هم نوعی روش‌شناسی واقع‌نگر و عملیاتی برای پیاده‌سازی کنوانسیون میراث جهانی. در این استراتژی بر تعریف‌های منطقه‌ای و موضوعی آن دسته از میراث که ارزش برجسته جهانی دارند، تأکید می‌شود تا با تشویق کشورها به پیوستن به کنوانسیون، تهیه فهرست‌های آزمایشی و هماهنگ کردن آنها و آماده ساختن‌شان برای ثبت آثار از دسته‌ها و مناطقی که در زمان حاضر در فهرست میراث جهانی به‌خوبی ارائه نشده‌اند، توازن و نمایندگی هرچه بیشتر فهرست میراث جهانی را تضمین کند (Rossler, 2003, 12).

هرچند تصویب این استراتژی نتیجه مشاهده عدم توازن در فهرست میراث جهانی بود، اما متن و اهداف آن مشخص ساخت که کارگروه میراث جهانی خواسته است این احتمال را بپذیرد که عدم توازن در فهرست، ریشه در پاسخگو نبودن تعریف و دسته‌بندی‌های منظر فرهنگی در کنوانسیون میراث فرهنگی و طبیعی جهان دارد؛ و در واقع علت اصلی عدم توازن را ناآگاهی و فقدان همکاری کافی از سوی کشورها پنداشته است.

بنابراین، به‌رغم تصویب این استراتژی جهانی در سال ۱۹۹۴م، عدم توازن کماکان در فهرست میراث جهانی، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین موضوعات در این حیطه، به قوت خود باقی مانده است. این به گونه‌ای است که یوکا یوکیلیهتو^{۲۲} در سال ۲۰۰۶م. اظهار داشت که «ضروری است تلاشی صورت گیرد و این تضمین به وجود آید که میراث جهانی بشریت با همه تنوع و پیچیدگی‌اش، به طور مناسب در فهرست منعکس خواهد شد» (Jokilehto, 2006, 4).

در پاسخ به علل عدم توازن، در گزارش فهرست میراث جهانی، به اینها اشاره شده است: پر کردن شکاف برنامه اجرایی برای آینده^{۲۳} که ایکوموس آن را در سال ۲۰۰۵ منتشر ساخت، دشواری روند ناهمگون کاندیدا شدن و حراست میراث در هر منطقه، و نظایر اینها (ICOMOS, 2005). هر چند نمی‌توان از این نکته چشم پوشید که مواردی چون بحران‌های سیاسی و اقتصادی، جنگ‌های داخلی و خارجی و حوادث طبیعی مانند زمین لرزه و سونامی نیز در کاهش علاقه کشورها به کاندیدا کردن منظرهای فرهنگی برای ثبت در فهرست میراث جهانی، نقشی تأثیرگذار دارند؛ اما این پرسش همچنان باقی است که آیا تعریف و دسته‌بندی‌های فعلی منظر فرهنگی در راهنمای موجود، برای بازشناخت تمامی منظرهای فرهنگی در همه کشورها و ایالت‌ها کاربرد دارند یا نه.

با پاسخ منفی به این پرسش، می‌توان پیشنهادهایی را برای دسته‌بندی منظر فرهنگی در دو قرارگاه روستایی و شهری در هفت دسته - به جای دسته‌بندی سه‌گانه فعلی بدین شکل مطرح ساخت^{۲۴}:

- یک: منظر قرارگاه روستایی: باغ طراحی شده؛
- دو: منظر قرارگاه روستایی: مرتبط با قرارگاه طبیعی چشم‌نواز و دیدنی؛
- سه: منظر قرارگاه روستایی: با توجه به کشاورزی/ جنگلداری/ ماهیگیری؛
- چهار: منظر قرارگاه روستایی: با در نظر گرفتن عقیده و مذهب انسان‌ها؛
- پنج: منظر قرارگاه روستایی: با توجه به گروه‌های بومیان؛
- شش: منظر قرارگاه شهری: منظر شهری تاریخی؛ و
- هفت: منظر قرارگاه شهری: منظر دوره مدرن/ صنعتی (Siririsak and Akagawa, 2007, 16-17).

با وجود پیشنهادهایی از این دست، مرکز میراث جهانی یونسکو هنوز هیچ برنامه مدونی برای بازبینی تعریف و دسته‌بندی‌های منظر فرهنگی ارائه نکرده است.

ناکارآمدی مرزبندی بین منظرهای فرهنگی و منظرهای طبیعی

در کنوانسیون حفاظت از میراث فرهنگی و طبیعی جهان، منظرها به دو دسته فرهنگی و طبیعی تقسیم شده‌اند. این تفکیک مشکلاتی را به همراه دارد. برای نمونه، گاه دلایلی که برای ثبت منظر در فهرست میراث طبیعی جهان به کار می‌رود، نه تنها طبیعی نیست بلکه مشخصاً فرهنگی است. این در حالی است که بر اساس رویه کنوانسیون، در سایت‌های به اصطلاح «طبیعی»، ردپاهای بر جای مانده از تاریخ زندگی انسان چون متضاد با ارزش‌های طبیعی قلمداد می‌شوند، نباید در شمار آیند بلکه می‌بایست تنها اندکی حفاظت شوند؛ و برعکس، در سایت‌های به اصطلاح «فرهنگی»،

عناصر طبیعی ناشی از گذر زمان که بدیع‌ترین ارزش‌های معاصر را ارائه می‌دهد، تحمل‌شدنی نیست زیرا ضد ارزش‌های فرهنگی قلمداد می‌گردد. هرچند ادغام معیارهای فرهنگی و طبیعی در دسته‌ای دهم‌عیاری^{۲۵} در سال ۲۰۰۴ م. به هدف ارائه راه حل استفاده از سایت‌های مختلط - که معیارهای فرهنگی و طبیعی را همزمان دارند- صورت پذیرفت، اما هنوز هم این مرزبندی‌های سخت در مدیریت سایت‌های حفاظت‌شده، مشکلاتی را دامن می‌زند. حذف این مرزبندی مستلزم بازبینی تعاریف منظر فرهنگی و منظر طبیعی است که در دستور کار مرکز میراث جهانی قرار ندارد.

نخبه‌سالار بودن

سیاست‌ها و ابزارهای کار در کنوانسیون میراث جهانی به سمت حفاظت و مدیریت منظرهایی هدایت شده است که دارای «ارزش برجسته جهانی» اند (Besio, 2003, 60). در چند دهه اخیر انتقادهایی به این دیدگاه - که می‌توان آن را «سایت‌محور» نامید - وارد شده است (Morris, 2002, 2; Scazzosi, 2003, 56). پیکان این انتقادات از این رو دیدگاه سایت‌محور را نشانه رفته است که این نگاه بسیاری از منظرهای فرهنگی را بدین دلیل که فاقد ویژگی‌های استثنایی‌اند، پوشش نمی‌دهد و هدف آن تنها تهیه لیستی از دارایی‌هایی تلقی می‌گردد که ارزش برجسته جهانی دارند- و نه مدیریت و حفاظت همه منظرها (Dejeant- Pons, 2003, 53).

از جمله نقدهای سنگینی که مشخصاً از بعد سیاسی بر این مقوله وارد شد، از سوی هیئت دبیره عمومی «انجمن اروپا»^{۲۶} بود (Priore, 2001, 32). این انجمن در نحوه برخورد با منظرهای فرهنگی، درست در نقطه مقابل مرکز میراث جهانی یونسکو قرار دارد و معتقد است که مرکز میراث جهانی با ایجاد تفاوت‌های مصنوعی بر پایه ویژگی‌هایی که دلالت بر یک منظر استثنایی دارند، به گونه‌ای «نخبه‌سالارانه» عمل کرده و هیچ محافظتی از گستره وسیعی از منظرهای فرهنگی، صرفاً به این دلیل که دارای ارزش برجسته جهانی نیستند، به عمل نمی‌آورد. از این رو انجمن اروپا دیدگاهی کل‌نگر را پیشنهاد کرده که تحت عنوان «کل منظر» در «میثاق منظر اروپایی»^{۲۷} مورد پذیرش قرار گرفته است.

در پاسخ به این انتقاد، فولر به نمایندگی از سوی مرکز میراث جهانی، بیان داشت که مفهوم میراث جهانی دربردارنده «منظرهای منتخب با کیفیت برجسته و جهانی» است، و صفت فرهنگی در عبارت منظر فرهنگی آشکارا نشانگر نوعی ارزش یا ویژگی مثبت است. بنابراین، از آنجا که در دیدگاه کل منظر میثاق منظر اروپایی، از یک سو به ارزش برجسته جهانی توجه نمی‌شود و از سوی دیگر منظر مستقل از ارزش‌های ارزیابی می‌گردد، فاقد هماهنگی لازم با مفهوم منظر فرهنگی در مرکز میراث جهانی است (Fowler, 2003b, 17). فولر معتقد است که موضع‌گیری یونسکو در برابر منظرهای فرهنگی دقیقاً نقطه مقابل صفت نخبه‌سالاری است که انجمن اروپا به آن نسبت می‌دهد، چون که: «با شناخت منظرهای فرهنگی، دست‌کم برای نخستین بار فرصت بازشناخت مکان‌هایی فراهم آمده است که چه بسا پیش پا افتاده به نظر رسند، اما می‌توانند در نگاه همگان منزلت بیشتری یابند تا آنجا که صفت فوق‌العاده برای‌شان به کار رود» (Fowler, 2001, 77). به بیان دیگر، منظرهای فرهنگی یادمان‌هایی هستند از انسان‌های گمنامی که در گذشته زندگی کرده‌اند و مردماند، بدون آنکه اثر شاخص معماری از خود به جای بگذارند، و تنها به صورت ناخودآگاه و گروهی، از طریق کار و فعالیت‌شان دگرگونی‌هایی را در منظر موجب شده‌اند و از این طریق برخی از مکان‌ها را در خود ثبت کرده‌اند.

هرچند فولر با این بیانات می‌کوشید به مخالفت با دیدگاه انجمن اروپا درباره منظرهای فرهنگی بپردازد، لیکن همچنان این پرسش را بی‌پاسخ باقی می‌گذارد که: اگر ثبت منظرهای فرهنگی در فهرست میراث جهانی فرصتی برای پاسداشت یاد مردمان گمنامی بوده است که آن منظرها را به مرور زمان پدید آورده‌اند، پس چرا از میان این مردمان گمنام، گزینش صورت می‌گیرد؟ این پرسش زمانی اهمیت بیش از پیش می‌یابد که سائیتی به عنوان نمونه‌ای از یک گروه سایت‌های منظر فرهنگی مشابه به ثبت رسد.

لازم به ذکر دوباره است که سه چالش مطرح‌شده، نتیجه بررسی و تحلیل کارنامه منظر فرهنگی در مرکز میراث جهانی یونسکو است؛ از این رو بدیهی است که اگر دیگر محققان مفهوم منظر فرهنگی را با محک‌های متفاوتی چون فرهنگ و یا بستر طبیعی مورد ارزیابی قرار دهند، احتمالاً با چالش‌های دیگری مواجه خواهند شد که طرح و واکاوی هر کدام آنها در جای خود به تدقیق مفهوم منظر فرهنگی یاری خواهد رساند.

نتیجه‌گیری

طرح مفهوم منظر فرهنگی در مرکز میراث جهانی یونسکو را می‌توان پیامد بصیرتی دانست که بر خلاف دانش جزءنگر غربی، فرهنگ و طبیعت را کلیتی درهم‌تنیده و جدایی‌ناپذیر می‌داند. این بصیرتی است که از پی بازگشت به نگاه کل‌نگر ساکنان بومی و اجتماعات محلی شکل گرفته است. بررسی کارنامه منظر فرهنگی در مرکز میراث جهانی یونسکو از یک سو به این دلیل که مرکز مذکور نخستین مرجع قانونی بین‌المللی است که به بازشناخت رابطه انسان و طبیعت با مداخله چارچوب‌های فرهنگی پرداخته و اقدام به ثبت و حفاظت منظرهای فرهنگی کرده است، و از سوی دیگر به این دلیل که تنها مرجع قانونی است که در ایران به مقوله بازشناخت و حفاظت منظرهای فرهنگی می‌پردازد، جایگاه ویژه‌ای دارد.

از بررسی و تحلیل زمینه‌های شکل‌گیری این مفهوم، تعریف‌ها و دسته‌بندی‌ها، سیر تحول، نشست‌های تخصصی برگزار شده و تغییرات به وجود آمده در متن کنوانسیون و معیارهای ثبت، این نتیجه به دست می‌آید که تاریخ کوتاه هجده‌ساله مفهوم منظر فرهنگی در زمینه حفاظت تاریخی همواره با فراز و نشیب‌هایی همراه بوده که به تدقیق این مفهوم کمک کرده است. اما با این حال نسبت منظرهای فرهنگی ثبت‌شده به کل آثار به ثبت رسیده در فهرست میراث جهانی، گواه آن است که این مفهوم در دوران نوزادی‌اش به سر می‌برد و هنوز در بسیاری از جوامع - حتی جوامع تخصصی - ادراک درستی از آن وجود ندارد، به گونه‌ای که گاه با منظر طراحی‌شده اشتباه گرفته می‌شود. وجود تنها یک منظر فرهنگی ثبت‌شده از ایران در فهرست میراث جهانی، نشانه دیگری است که ضرورت بازشناخت این مفهوم را در سطح ملی گوشزد می‌کند.

در این مقاله با تکیه بر بررسی و تحلیل کارنامه منظر فرهنگی در مرکز میراث جهانی، سه چالش عمده و اصلی مفهوم منظر فرهنگی مطرح شده و مورد کندوکاو قرار گرفت. چالش نخست عدم توازن در فهرست میراث جهانی است. با کندوکاو در این چالش، این نتیجه به دست آمد که یکی از دلایل عدم توازن، ضعف تعریف و دسته‌بندی فعلی منظر فرهنگی در راهنمای موجود برای بازشناخت تمامی منظرهای فرهنگی در همه مناطق است.

از دومین چالش که بر مرزبندی بین منظرهای فرهنگی و طبیعی تمرکز دارد، این نکته مهم به ذهن می‌رسد که این مرزبندی در تشخیص و حفاظت منظرهای فرهنگی کارآمد نیست، و به همین

خاطر ضرورت حذف این مرزبندی مطرح می‌گردد. با مذاقه در تعاریف و دسته‌بندی‌ها این نتیجه به دست می‌آید که حذف این مرزبندی مستلزم بازبینی تعاریف منظر فرهنگی و منظر طبیعی است. از سومین بحث که دیدگاه نخبه‌سالار و سایت‌محور مرکز میراث جهانی یونسکو را به چالش می‌کشد، این نتیجه استنباط می‌شود که تناقض‌هایی بین تعاریف و ابزارهای این مرکز در زمینه منظر فرهنگی، وجود دارد که رفع‌شان مستلزم بازبینی دستورالعمل اجرایی است.

بدین ترتیب، در این مقاله با واکاوی اصلی‌ترین چالش‌های مفهوم منظر فرهنگی که خود با تکیه بر بازشناخت و تحلیل کارنامه هجده‌ساله این مفهوم در مرکز میراث جهانی یونسکو تحقق یافت، این نتیجه به دست آمد که نیازی مبرم به بازبینی تعریف و دسته‌بندی منظر فرهنگی در دستورالعمل اجرایی کنوانسیون میراث فرهنگی و طبیعی جهان وجود دارد که از خلال آن به این چالش‌ها و دیگر چالش‌هایی که دیگر پژوهشگران می‌توانند آنها را با محک‌های دیگری مطرح سازند، پاسخی درخور داده شود.

پی‌نوشت‌ها

1. Cultural landscape
2. Carl Sauer
۳. انجمن اروپا دیدگاهی گسترده‌تر و همه‌شمول‌تر از مرکز میراث جهانی یونسکو درباره منظرهای فرهنگی دارد و تمامی منظرها را دارای ارزش برای حفاظت می‌داند و اصطلاح منظر را به جای منظر فرهنگی به کار می‌برد.
4. Heritage Landscape Think Tank
5. World Heritage Center
6. Convention for the Protection of the World Cultural and Natural Heritage (Paris, 16 November, 1972)
۷. میراث مشترک بشریت مفهومی است که سابقه آن به پایان دهه ۱۹۶۰ برمی‌گردد. بین مفهوم فعلی آن با دو مفهوم قبلی از جمله اموال بی‌صاحب (اشیایی که نمی‌توانند مورد تملک اختصاصی قرار گیرند) و اموال مشترک (متعلق به عموم)، تفاوت وجود دارد. مفهوم میراث مشترک بشریت، تجسمی از مشترکات مربوط به انسان‌هاست که با حقوق انسان آینده به هم پیوسته و درهم‌تنیده است. بنابراین ارزش‌های به جا مانده از بیوسفر باید حفاظت گردد و به نسل‌های بعدی منتقل شود. ماهیت میراث مشترک در قالب امانت مطرح می‌گردد که اهداف عمده آن شامل استفاده منحصر به فرد در اهداف صلح‌جویانه، استفاده معقول با روح محافظت، مدیریت بهینه و انتقال آن به نسل‌های بعدی است. میراث فرهنگی و طبیعی جهان بخشی از این میراث مشترک بشریت را تشکیل می‌دهند. برای اطلاعات تکمیلی، ن. ک. کیس، الکساندر؛ سند، پیتر اچ؛ لانگ، وین فراید (۱۳۷۹) حقوق محیط زیست، مترجم: محمد حسن حبیبی. دانشگاه تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
8. Amsterdam Global Strategy
9. Global Strategy
10. International Expert Meeting on Cultural Landscape of Universal Value (Schorfheide, Germany, 1993)
11. Action Plan for the Future
12. International Center of Monuments and Sites (ICOMOS)
13. International Union for Conservation of Nature (IUCN)
14. International Federation of Landscape Architect (IFLA)
15. International Legal Aid Association (ILAA)
16. International Association of Landscape Ecology (IALE)
17. World Heritage Cultural Landscapes: A Handbook for Conservation and Management
18. Agricultural Landscape
۱۹. یونسکو جهان را به پنج منطقه تقسیم می‌کند: افریقا، کشورهای عربی، آسیا و اقیانوسیه، اروپا و امریکای شمالی، امریکای لاتین و کارائیب.
20. Tentative List

21. World Heritage Committee
22. J. Jokilehto
23. The World Heritage List: Filling the Gaps- An Action Plan for Future
 ۲۴. برای اطلاعات بیشتر درباره دلایل عدم توازن در فهرست منظرهای فرهنگی میراث جهانی، ن. ک. Siririsak T; Akagawa N. 2007, Cultural Landscape in World Heritage list: Understanding on the Gap and Categorization. City & Time 2 (3): 2. [online] URL: <http://www.ct.ceci-br.org>.
۲۵. میثاق منظر اروپایی اذعان می‌دارد که از لحاظ نظری متمایز کردن منظرهای فرهنگی (و نیز منظرهای تاریخی و منظرهای دست‌ساخت بشر و جز اینها) از منظرهای طبیعی غیر منطقی است، چرا که اینها به تمامی می‌توانند به خاطر معانی فرهنگی و طبیعی‌شان مورد مطالعه و بررسی قرارگیرند: همه آنها منظر هستند (Scazzosi, 2003, 55).
26. the Council of Europe
27. European Landscape Convention

فهرست منابع

- فیلدن، برنارد م. و یوکیلتو، یوکا (۱۳۸۶) *راهنمای مدیریت برای محوطه‌های میراث جهانی*، ترجمه: حناچی، پیروز، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
- یوکیلتو، یوکا (۱۳۸۷) *تاریخ حفاظت معماری*، ترجمه: طالبیان، محمدحسن؛ بهاری، خشایار، نشر روزنه، تهران.
- Aalen F.H.A; K.Whelan; M.Stout (eds.) (1997) *Atlas of the Irish Rural Landscape*, Toronto, Ontario: University of the Toronto Press.
- Buggey, Susan and Mitchell Nora (2003) "Cultural Landscape Management Challenges and Promising New Directions in the United States and Canada", In: UNESCO Paper 7: Cultural Landscape: the Challenges of Conservation, UNESCO World Heritage Center, PP. 92-100.
- Besio, Mariolina (2003) "Conservation Planning: The European Case of Rural Landscape", Cultural Landscape: the Challenges of Conservation, UNESCO World Heritage Center, PP. 60-67.
- Dejeant-Pons, Maguelonne (2003) "European Landscape Convention", In: UNESCO Paper 7: Cultural Landscape: the Challenges of Conservation, UNESCO World Heritage Center, PP. 52-54.
- European Landscape Convention (2000) *Council of Europe, Florence*, [/http://conventions.coe.int/Treaty/en/Treaties/Html/176.htm](http://conventions.coe.int/Treaty/en/Treaties/Html/176.htm) /, [Visited on March 20, 2010].
- Fowler, Peter (2003a) *World Heritage Cultural Landscapes 1992-2002: a review*, Paris, UNESCO World Heritage Center, [/http://unesdoc.unesco.org/images/0013/001331/133121e.pdf](http://unesdoc.unesco.org/images/0013/001331/133121e.pdf), [Visited on March 18, 2009].
- Fowler, Peter (2003b) "World Heritage Cultural Landscape, 1992-2002: A Review and Prospect", In: UNESCO Paper 7: Cultural Landscape: the Challenges of Conservation, UNESCO World Heritage Center, PP. 16-32.
- Fowler, Peter (2001) "Cultural Landscape: Great Concept, Pity about the Phrase", In: R. Kelly et al. (eds.) *The Cultural Landscape, Planning for a Sustainable Partnership Between People and Place*, Edited papers from a conference on cultural landscape, ICOMOS UK, May 1999, London: Oxford, PP. 64-82.
- ICOMOS (2005) *The World Heritage List: Filling the Gap, an Action Plan for Future*, [/http://www.international.icomos.org/world_heritage/gaps.pdf](http://www.international.icomos.org/world_heritage/gaps.pdf), [Visited on 27 December, 2009].
- Ingerson, Alice E. (2000) *What Are Cultural Landscapes?*, *Institute for Cultural Landscape Studies*, [/http://www.icls.harvard.edu/language/whatare.htm](http://www.icls.harvard.edu/language/whatare.htm), [Visited on 28 September, 2009].
- Jokilehto, J. (2006) *World Heritage: Defining the outstanding universal value*, City & Time 2(2): 1, [/http://www.ct.ceci-br.org/](http://www.ct.ceci-br.org/), [Visited on 27 December, 2009].

- Lewis, Peirce (1979) "Axioms for Reading the Landscape: Some Guides to the American Scene", In: D.W. Meinig (ed.), *The Interpretation of Ordinary Landscape*, New York: Oxford University Press, PP. 11-32.
- Longstreth, Richard (2008) *Cultural Landscape, Balancing Nature and Heritage in preservation Practice*, Minneapolis: University of Minnesota Press.
- Melnick, R. (1981) *Capturing the Cultural Landscape*, *Landscape Architecture* 71(1), PP. 56-60.
- Mitchell, Nora; Rossler, Mechtild; Tricaud, Pierre-Marie (Authors/Ed.) (2009) *World Heritage Cultural Landscapes: A Handbook for Conservation and Management*, UNESCO World Heritage Paper 26, Paris: UNESCO World Heritage Centre.
- Morris, Richard (2002) *Reshaping the Landscape/ Rethinking the Land, lecture to the Royal Society for the encouragement of the Art Manufactures and Commerce (RSA)*, 31 January, 2002.
- New Zealand Historic Places Trust/ Pouhere Taonga (NZHPT) (2003) *Heritage landscape think tank- report on proceedings*, Wellington, New Zealand: NZHPT.
- Priore, R (2001) "The Background to the European Landscape Convention", In: R. Kelly et al. (eds.), *The Cultural Landscape: Planning for a sustainable partnership between people and place*, edited papers from a conference on cultural landscape, ICOMOS UK, May 1999, London: Oxford, PP. 31-7.
- *Revision of the operational guideline for the implementation of the world heritage convention: Report of the expert group on cultural landscape* (la Petite Pierre, France, 24-26 October 1992/ WHC-92/CONF.202/10/Add, /http://whc.unesco.org/en/culturallandscape#4/, [visited on October 15, 2009].
- Rossler, Mechtild (2003) "Linking Nature and Culture: World Heritage Cultural landscapes", In: UNESCO Paper 7: *Cultural Landscape: the Challenges of Conservation*, UNESCO World Heritage Center, PP. 10-15.
- Rossler, Mechtild (2001) "World Heritage Cultural landscape in the European Region", In: R. Kelly et al. (eds.), *The Cultural Landscape: Planning for a sustainable partnership between people and place*, edited papers from a conference on cultural landscape, Oxford, May 1999, London: ICOMOS UK, PP. 38-45.
- Rossler, Mechtild (2000) "World Heritage Cultural Landscape", In: *The George Wright Forum*, Vol. 17. No. 1, PP. 27-34.
- Rossler, Mechtild (1998) "The World Heritage Convention on Landscape: the setting for our future lines", In: *Naturoipa*, No. 96.
- Rossler, M.; Saouma-Forero, G. (eds.) (2000) *The World Heritage Convention and Cultural Landscape in Africa Expert Meeting- Tiwi*, Kenya, 9-14 March 1999, Paris, UNESCO World Heritage Center.
- Sauer, Carl O. (1925) "The Morphology of Landscape", In: J. Leighly (ed.), *Land and life: A selection from the writings of Carl Ortwin Sauer*, Berkeley, California: University of California Press, 1969, PP. 315-350.
- Scazzosi, Lionella (2003) "Landscape and Cultural Landscape: European Landscape Convention and UNESCO Policy", In UNESCO Paper 7: *Cultural Landscape: The Challenge of Convention*, UNESCO, World Heritage Center, PP. 55-59.
- Sirisrisak T; Akagawa N. (2007) "Cultural Landscape in World Heritage List: Understanding on the Gap and Categorization", *City & Time* 2 (3): 2, PP. 11-20, /http://www.ct.ceci-br.org/, [visited on December 12, 2009].

- UNESCO World Heritage Center (2009) *Cultural Landscape*, /http://whc.unesco.org/en/cultural-landscape#1/, [visited on December 28, 2009].
- UNESCO World Heritage Center (2007) /www.whc.unesco.org/en/about/, [visited on October 15, 2009].
- UNESCO (1992) *Revision of the Operational Guidelines for the implementation of the World Heritage Convention: Report of the Expert Group on Cultural Landscape*, /www.whc.unesco.org/, [visited on October 15, 2009].
- Von Droste, B., Rössler, M., Titchen, S. (eds.) (1998) *Linking Nature and Culture, Report on the Global Strategy, Natural and Cultural Heritage Expert Meeting, 25 to 29 March 1998*, Amsterdam, Netherlands.
- Van Droste, B.; Plachter, H. and Rossler, M. (eds.) (1995) *Cultural Landscape of Universal Value, Components of a Global Strategy*, Jena, Fischer Verlag.